

پرواز کن ... پرواز کن ...

خسته، آزرده، درمانده و بی همدم.

((... بسوز که سزاوار این سوختنی، بساز که مجبور به این ساختنی، این بر تو که مورد قهر خدا قرارگرفتی رواست تا دیگران عبرت بگیرند و در اجرای فرمان حق قصور نکنند ... سبحانک یا رب سبحانک یا رب ... من خود می دانم مستحق این بختم، این عذاب را به جان خریدارم تا که خود نظری کنی سبحانک ...))

صدایی آشناست، صدایی که نوازشگر لحظات مجروحِ فطرس است؛ آری صدای باله‌های نازنین روح‌الامین است.

((... آرام بگیر فطرس گوش کن گویی او تنها نیست خیل فرشتگان خدا نیز با او هستند؟! یعنی چه شده؟ چه واقعه عظیمی رخ داده که اینچنین ملائکه از عرش بر زمین هبوط می کنند؟ هرچه هست خبر از خلقی عظیم دارد. یقین گلی خلق شده که ملائکه برای استنشام آن گل می روند! اما نه! شاید ماه دیگری خلق شده، یا خورشید دیگری، نه چه می گویم؟ که حتی وقتی خدا خورشید را خلق نمود این شور و همه‌مه نبود، اگر این مخلوق تا این حد عظمت داشته باشد حتماً ...))

روح‌الامین! روح‌الامین! تو را به خدا بگو چه شده؟ حسرت بال و پرزدن شما مرا می کشد، بیش از سوزش و شکستن بالم آرام می دهد. به فطرس بگو که چه روی داده که اینچنین ولوله در عرش خدا افتاده، مگر بار دیگر ابوالبشری خلق شده چون آدم؟ یا بالاتر از او؟ نوری از جنس خدا ...))

جبرئیل پاسخ داد: ((رفیق پرشکسته، فطرس! کاش مورد قهر خدا نبودی، و می دیدی که چه خبر شده؟ آری نوری و مولودی از نور خدا خلق شده او عزیز دل مصطفی که نه! خود مصطفی است. او جگرگوشه علی، دردانه زهرا ست و پشتیبان مجتبی ست. او خامس آلِ عباس است که به اهل زمین هدیه داده شده است و ما برای تبریک به رسول خدا و اهل بیتش به حضورشان شرفیاب می شویم.))

– درنگ جایز نیست. –

((خدایا، ای خدای مهربان مرا با روح‌الامین راهی کن که عرض تبریک به رسول تو داشته باشم.))

((کمک کنید، که خداوند اجازه همراهی شما را به من داد، تحمل مرا هم تا زمین داشته باشید.))

((بیش از این معطلی جایز نیست؛ فطرس را هم با خود می بریم به برکت این مولود، آتش قهر خدا فرونشسته و اجازه همراهی او با ما داده شده، زیر بالهایش را بگیرد ...))

زباتر از این زمان خلق نشده و نخواهد نشد، بیت علی غرق نور است محل رفت و آمد فرشتگان خداست همه در شعفند همه به هم تبریک می گویند محفل انس کامل شده، چقدر این بزم دیدنی است، پنج آفریده مقدس خدا احمد، علی، فاطمه، حسن و ...

نام او چیست همه منتظرند به چه نام او را صدا بزنند، او کیست که نیامده همه شیدای او شده اند؟!

– همه از هم می پرسند.

جبرئیل با پیغمبر زمزمه می کند همه ساکت شدند، چشم به لبهای رسول خدا دوختند اما چرا پیغمبر خدا اشک می ریزد ... به ناگاه با صدای دلنشین نبی شوری به پا شد حسین ... حسین؟ ... حسین! ... این نام برای همه آشناست. برای همه ملائکه، برای همه انبیاء و برای همه عالم، این نام نامی است که همه ملائکه، همه انبیاء و همه عالم را دگرگون کرده است. از فرشته شادی تا فرشته ماتم از آدم تا خاتم و از ذره تا عالم.

– دیگر کسی نمی پرسد که چرا پیغمبر اشک می ریزد. –

حسین یعنی واسطه احسان قدیم، حسین یعنی خون خدای کریم و حسین یعنی ذبح عظیم.

همه می خواهند برای او لالایی زمزمه کنند و در این بین فطرس از همه مشتاق تر، خود را به گاهواره حسین نزدیک کرد.

بالهای شکسته خود را به گهواره او زد، غرق در راز شد، نه! غرق در نیاز شد

((... دیگر تنها نخواهم ماند دیگر خسته نخواهم شد، بعد از این نام تو مونس من است ذکر من بعد از این در آن جزیره تنهایی این خواهد بود: سبحانک یا رب الحسین.))

((شاید فطرس نفهمید اما همه ملائکه دیدند که به یکباره بالهای شکسته و سوخته فطرس ترمیم شد و با بهتر اینکه، بالهای نو بدست آورد. اما فطرس عجیب زمینگیر شده و اگر خواست خدا نبود، او از کنار گهواره حسین تکان نمی خورد.))

گویا ندایی از غیب می گفت:

با عشق شرح راز کن. بر جمله عالم ناز کن.

پرهای خود را باز کن. پرواز کن پرواز کن ...

ولادت امام حسین (ع)، حضرت عباس (ع) و امام زین العابدین

(ع) بر همه شما عزیزان مبارک باد.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ

فرهنگ-گی، اعتقاد-ادی و اجتهاد-ماعی، ویژه امام عصر (عج) کاری از: کانون فرهنگی مسجد امام خمینی (ره) تویسرکان

آلِ یاسین

سال چهارم، شماره ۱۷۷

۸۹/۴/۲۵



سرور و سالار شهیدان گرامی باد

مرهم چشمه‌هایت

موج روی موج غربت و دوری ات دلم را آشوب کرده، طوفان فراقت آنقدر سنگین است که تمام کشتی های امیدم در حال غرق شدنند.

چرا؟! مولا جان! قبول! بد کردم، ثابت قدم نبودم، شهر دلم پر از ظلم و سیاه شد، نور پاک عشقت نتوانست سیاهی ها را طاقبت بیاورد و سکوت کرد، رد پای که برایم گذاشتی را گم کردم، شاید اصلا جاده را هم اشتباه رفتم.

سراسر خطا بودم، اینها همه درست، اما ... حالا به بن بست رسیده ام. بگذار صادقانه بگویم: دیگر نمی توانم این همه دوری را تحمل کنم.

« بی همگان به سر شود

بی تو به سر نمی شود.»

کبوتر فکر من، از بام مهر شما دانه برچیده، به سوی که می توانم پروازش دهم؟!

قلبی را که سالها به شوق وصال شما تپیده است؛ چگونه می تواند جای خالیت را تحمل کند.

نگاهی که تنها در پی شما بوده، چگونه می تواند همه چیز را ببیند جز شما را؟!

آقا! به داد پرنده ی پر شکسته ای برس که بیشتر از همیشه از مرهم چشمه‌های شما بی نصیب است.

« تو که یک گوشه ی چشمت غم عالم ببرد

مپسند این که تو باشی و مرا غم ببرد»

چیست این

دلشوره های بیکران ...

پیامک های شما

*** هفت آسمون دنیا باید که غرق نورشه

یه جور دیگه خدا خواست چشم حسودا کور شه

دلای دشمنامون امسال چه بد می سوزه

تولد حسین (ع) و خامنه ای یه روزه (۷۶۴۶***۹۳۶)

*** شعبان شد و پیک عشق از راه آمد

عطر نفس بقیه ا... آمد

با جلوه سجاد (ع) و ابوالفضل (ع) و حسین (ع)

یک ماه و سه خورشید در این ماه آمد

اعیاد شعبانیه مبارک (۵۰۸۰***۹۱۸)

*** بی تو گرفته هر دل حساس برگرد

بی رنگ و بو شد شاخه های یاس برگرد

ای مظهر پاکی و عشق و مهربانی

آقای من جان عمو عباس برگرد (وفا)

*** ای دل بشارت می دهم، خوش روزگاری می رسد

یا درد و غم طی می شود، یا شهریاری می رسد

این منتظر غمگین مشو، قدری تحمل بیشتر

گردی بپاشد در افق، گویا سواری می رسد (۶۲۴۵***۹۱۸)

*** چیست این دلشوره های بیکران

پشت کاشی های شهر جمکران

تا به کی از داغ هجران تو صبر

جلوه کن ای آفتاب پشت ابر (محبوب شب)

حوادث ماه شعبان

مجتبی‌السادۀ – **ترجمه: محمود مطهری‌نیا**

خاورمیانه همانند میدان مبارزه و جنگ‌های متعدد و با کشته‌های بسیار ترسیم شده است. ساکنان این منطقه هم که مسلمانان هستند در شرایط گرفتاری و سختی و ناراحتی به سر می‌برند که نتیجه عدم ثبات سیاسی کشورهای منطقه است و به زودی هم آتش جنگ جهانی بزرگی برافروخته خواهد شد.

ابوبصیر نقل می‌کند که از امام صادق(ع) درباره ماه رجب پرسیدم. حضرت فرمودند:

پیش از اسلام (دوران جاهلیت) آن را – یعنی ماه رجب را – بزرگ می‌شمردند و در آن جنگ نمی‌کردند (نام آن را ماه خالی از ندای جنگ نهاده بودند).

ابو بصیر می‌گوید:

پرسیدم شعبان؟

– امور در آن از هم جدا می‌شود؛

– (ماه) رمضان چطور؟

– ماه خداوند تبارک و تعالی است که در آن به نام صاحب شما، حضرت مهدی(ع)، و پدرش ندا در دهند.

– شوال؟

– در آن مردم پراکنده شوند.

فواید دعا برای فرج

وسیله ی تأیید خداوند در عبادت

مداومت در دعا برای مولایمان صاحب الزمان(ع) سبب می شود که خداوند متعال انسان را در عبادت تأیید می نماید، دلیل بر آن روایتی است در عدهٔ الداعی از پیغمبر(ص) آمده که فرمودند:

خداوند سبحان فرمود: هر گاه بدانم که اشتغال به من در بنده ام غالب است، شهوتش را در سؤال و مناجات خودم قرار می دهم وهر گاه بنده ام چنین شد، پس اگر خواست اشتباه کند بین او و اشتباه کردنش حایل شوم. حقاََ که آنان اولیای من هستند، حقا که آنان قهرمانان اند.(۱)

بیان دلالت این که: همان طور که آیات و روایات دلالت دارند، دعا از مهمترین اقسام عبادت ها می باشد و شکی نیست که عظیم ترین و ارزنده ترین اقسام دعاها آن است که برای کسی باشد که خداوند حقیش را بر تمام خلایق واجب ساخته و به برکت وجود او فیض به همه ی موجودات رسیده است. و نیز بدون تردید مراد از اشتغال به خداوند، مشغول بودن به عبادت اوست، و همان است که مداومت بر آن سبب می شود که خداوند انسان را در عبادت تأیید و مدد نماید و او را از اولیای خود قرار دهد. نتیجه این که: مواظبت و مداومت در دعا برای مولایمان صاحب الزمان(ع) و درخواست فرج و ظهور آن حضرت از خداوند موجب حصول این فایده ی عظیم می گردد. بنابراین بر اهل ایمان لازم است که در هر زمان و مکان به این امر اهتمام ورزند.

و از اموری که مناسب و مؤید این مطلب است این که: آقا میرزا محمد باقر اصفهانی برایم(۱) نقل کرد که: شی ی از شبها در خواب مولایم امام همام حضرت امام حسن مجتبی(ع) را دیدم که نزدیک به این تعبیر، فرمود: **بر منبرها به مردم بگوئید و به آنها امر کنید که توبه کنند و برای فرج و تعجیل ظهور حضرت حجت(ع) دعا نمایند، و این دعا مثل نماز میت نیست که واجب کفایی باشد و با انجام دادن آن از سوی بعضی از مکلفین از سایرین ساقط گردد، بلکه مانند نمازهای یومیه است که بر تمام مکلفین واجب است آن را انجام دهند.** (۲)

پی نوشت:

۱- مقصود آیت ... سید محمد تقی موسوی اصفهانی است. ۲- مکیال المکارم، ج۱، ص ۴۸۳

– ذی‌القعدة؟

– در آن می‌نشینند؛

– ذی‌حجه؟

– آن ماه خون است؛

– پس محرم (چطور خواهد بود؟)

– در آن حلال را حرام کرده و حرام را حلال می‌گردانند.

– صفر و ربیع(الاول و الثانی)؟

– در آن ننگی (مرگ) زشت (وحشتناک) و امری عظیم خواهد بود.

– جمادی (الاول و الثانی)؟

– از ابتدا تا انتهایش فتح و پیروزی است. ۱

ابو حمزه ثمالی از قول امام باقر(ع) نقل کرده که فرمودند:

وقتی شنیدید که مردم شام دچار اختلاف شده‌اند، از آنجا فرار کنید که فتنه و کشتار به جانش افتاده است.

گفتم به کجا فرار کنیم؟ فرمودند:

مکه بهترین جایی است که مردم بدانجا بگریزند. ۲

در روایتی که در روضهٔ الکافی آمده و این رویدادها را توصیف کرده و مردم را متوجه وظایفشان در آن زمان و شرایط می‌کند آمده است:

وقتی ماه رجب شد با نام خداوند متعال روی کنید و اگر دوست داشتید که تا شعبان به تأخیر بیندازید، ضرر نمی‌بینید و اگر دوست داشتید که در میان اقوام و خویشانتان پناه بگیرید (روزه بگیرید) شاید برای شما بهتر (محکم‌تر) باشد سفیانی هم به عنوان یک نشانه برای شما کافی است. ۳
در این حدیث اجازه داده شده است که شتاب کردن در مسافرت تا پایان ماه رمضان به تأخیر

انداخته شود. و امام باقر(ع) برای راهنمایی کردن شیعیان خویش در قسمتی از آن حدیثی طولانی چنین فرموده‌اند:

سفیانی برای شکنجه کردن دشمنان شما کافیست و او از جمله نشانه‌هایی برای شماست (برای فهم نزدیکی ظهور). علی‌رغم اینکه این فاسق شورش کرده شما یک یا دو ماه پس از خروج او از جای خود تکان نخورید؛ ناراحتی به شما نخواهد رسید تا اینکه جمع زیادی از غیر شما (غیر شیعیان) را بکشد (اشاره به معرکه قرقیسیاست).

برخی از اصحاب گفتند: با عیال (زن و فرزند) خود در آن زمان چه کنیم؟ فرمودند:

مردان خویش را از سفیانی پنهان کنید؛ چرا که او کینه و حرص شیعیان را به دل دارد ولی زنان ان‌شاءالله ناراحتی به آنها نخواهد رسید.

پرسیدند: پس مردان به کدام سو خارج شوند و از دست او به کجا فرار کنند؟ فرمودند:

در مدینه چه می‌توانید بکنید در حالی که سپاهیان آن فاسق بدانجا روی می‌کنند. ولی شما به مکه بروید که محل اجتماع شما آنجاست و فتنهٔ او به مدت حمل یک زن یعنی ۹ ماه طول می‌کشد و ان‌شاء... بیش از این اجازه نخواهد یافت. ۴

پی‌نوشت‌ها :

۱ . بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۲؛ بشارهٔ الاسلام ، ص ۱۴۲؛ بیان‌الائمه(ع)، ج ۲، ص ۶۸۶.

۲ . بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۱؛ السفیانی ، فقیه ، ص ۱۲۳.

۳ . بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۲؛ السفیانی، ص ۱۲۲.

۴ . الغیبهٔ، نعمانی، ص ۲۰۳؛ السفیانی، ص ۱۲۲.

دجال شناسی

دجال و خدا پنداری

پیامبر(ص): همانا وقتی که دجال خروج می نماید می پندارد که او خداست. (۱)

دجال و ادعای خدایی

پیامبر(ص): و دجال به مردم می گوید من پروردگار شمایم، پس هر کس بگوید تو پروردگار منی، در فتنه ها غرق می گردد و هر کس بگوید: پروردگار من ...! است و تا زمان مرگش بر این اعتقاد ثابت بماند از فتنه

ی دجال ایمن می ماند. (۲)

دجال و تسخیر جنیان

پیامبر(ص): قبایل جن با دجال بیعت می کنند و گنجینه های زمین را برای او استخراج می نمایند و مردم را برای او می کشند (۳)

خانه ی پیروان دجال سرشار از شیاطین

پروردگار هستی: [و هر آنکه از یاد خدای رحمان دوری گزیند شیطانی را برای او می گماریم تا همواره قرین و همنشین او گردد] رسول ...!.(ص):

خانه ی پیروان دجال از حضور شیاطین پر و سرشار می گردد (۴)

دجال و بهره گیری از شیاطین ِإنسی

همانا یکی از فتنه های دجال این است که شیاطینی در اختیار دارد که آنها به صورت انسان در می آیند(و دستورات او را به مرحله ی اجرا در می آورند) (۵)

مردم فریبی؛ با بهره گیری از شیاطین

رسول ...!.(ص): مردان عرب پس از اقرار به ربوبیت دجال از او تمنا می کنند شتران و گوسفندانشان را که در طول دوران قحطی و خشکسالی تلف شده اند زنده کنند و به آنها باز گرداند. دجال گروهی از شیاطین را که به چهره ی شتران و گوسفندانشان درآمده اند به آنها می بخشد و آنان با سرور و شادمانی می گویند: اگر او خدای ما نبود شتران و گوسفندان ما را زنده نمی ساخت. (۶)

پی نوشت: ۱- ابن ابی شیبه، المصنف، ج۱۵، ص ۱۵۱ // ۲- همان، ص ۱۷۶ // ۳- همان، ص ۱۹۱ // ۴- سیوطی،الدرالمنثور،ج ۳،ص ۱۶۱ // ۵- همان، ص ۳۱ // ۶- سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۸۹

دعاهای نجات بخش

دعای فرج

امام حسن عسکری(ع) به احمد بن اسحاق می فرمایند:

ای احمد بن اسحاق، مثل او در این امت، مثل خضر و ذوالقرنین است. به خدا قسم غیبتی خواهد داشت که آخدی از تباهی (دینش) در آن زمان نجات نمی یابد مگر آن کسی که خدای عزوجل او را در اعتقاد به امامت آن حضرت ثابت قدم بدارد و در زمان غیبت او را موفق به دعا برای تعجیل فرج ایشان فرماید.

امر «دعا بر تعجیل فرج» را باید جدی و با اهمیت دانست و با توجه به سفارش امام زمان(ع) به این کار مبادرت بسیار ورزید:

برای تعجیل فرج، زیاد دعا کنید. زیرا همین، فرج شماست.(۱)

پی نوشت: ۱- کمال الدین، باب ۴۵، ح ۴.